گزارش منابع آمریکایی از انتقادات مقامات کشورهای حاشیه خلیج‌فارس نسبت به هزینه‌های اقتصادی و امنیتی جنگ آمریکا علیه ایران برای این کشورها

آل‌ها ناراضی از واشنگتن

گروه بین‌الملل: چند دهه، منطق حاکم بر روابط امنیتی آمریکا و کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس بر یک معامله روشن استوار بود: کشورهای عرب دسترسی نظامی، پایگاه و همکاری راهبردی را در اختیار آمریکا در منطقه قرار می‌دهند و واشنگتن امنیت آنها را تامین می‌کند. حضور ناوهای آمریکا در خلیج فارس، پایگاه‌های هوایی، سامانه‌های پدافندی، نیروهای مستقر و شبکه اطلاعاتی آمریکا در منطقه قرار بود یک پیام بازدارنده باشد؛ به این معنا که هر گونه حمله به کشورهای عرب، با واکنش قدرت نظامی آمریکا مواجه خواهد شد.

به گزارش «وطن امروز»، جنگ آمریکا علیه ایران اما معادله سنتی تامین امنیت وارداتی در منطقه توسط واشنگتن را بهم ریخت و نشان داد آمریکا حتی قادر به دفاع از تجهیزات نظامی و نیروهای خود در منطقه هم نیست، چه رسد به تامین امنیت کشورهای عرب. اکنون برای بسیاری در کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس این سوال پیش آمده که آیا حضور نظامی آمریکا در منطقه، همچنان کشورهای عرب را امن می‌کند یا خود به عاملی برای قرار گرفتن آنها در معرض جنگ و ناامنی بیشتر تبدیل شده است؟

در طول جنگ آمریکا علیه ایران، با توجه به اینکه کشورهای عرب میزبان بخش بزرگی از نیروها و تأسیسات آمریکایی بودند که عمده حملات و تجاوزات علیه ایران هم از این پایگاه‌ها انجام شد، لذا پایگاه‌های نظامی آمریکا در این کشورها هدف پاسخ‌های سهمگین موشکی ایران قرار گرفتند و پاسخ‌های موشکی و پهپادی ایران به تأسیسات مرتبط با نیروهای آمریکایی در قطر، کویت، بحرین، عمان و اردن، آسیب زیادی به میزبانان عرب آمریکا در منطقه وارد کرد. در واقع پاسخ‌های نظامی ایران به حملات آمریکا در منطقه نشان داد پایگاه‌های آمریکا دیگر یک سپر دفاعی برای کشورهای میزبان نیستند، بلکه این پایگاه‌ها خود به یک بحران امنیتی برای این کشورها تبدیل شده‌اند. همین واقعیت، خود یک تغییر مهم در محاسبات امنیتی کشورهای عرب ایجاد کرده است و گزارش رسانه‌های بین‌المللی نشان می‌دهد پایگاه‌های نظامی آمریکا که زمانی نماد امنیت در کشورهای عرب منطقه بودند، اکنون باعث دردسر و هزینه بیشتر برای این کشورها شده و اعراب نیز اعتماد خود به آمریکایی‌ها را از دست داده‌اند.

■ افزایش نارضایتی از واشنگتن

تازه‌ترین نشانه نارضایتی از حضور نظامی آمریکا در کشورهای عرب را در گزارش روزنامه واشنگتن پست می‌توان دید؛ گزارشی که در آن به نقل از مقامات عرب و غرب گفته شده متحدان عرب آمریکا در منطقه به این نتیجه رسیده‌اند که رئیس‌جمهور آمریکا، توانایی مدیریت دیپلماسی برای تأمین صلح با ایران را ندارد.

۳ مقام و یک دیپلمات سابق آمریکا به واشنگتن پست گفته‌اند پس از ماه‌ها درگیری و ادامه پاسخ‌های موشکی و پهپادی از سوی ایران و گروه‌های مقاومت به اهداف آمریکا در کشورهای عرب، سعودی، امارات، قطر، کویت و بحرین اکنون در نارضایتی از دولت ترامپ هم‌نظر شده‌اند و برخی از این کشورها شروع به بحث درباره مفید بودن ادامه میزبانی از تأسیسات نظامی آمریکا در خاک خود کرده‌اند.

یکی از مقامات کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس گفته است: «ترامپ این جنگ را شروع کرد و ما هزینه‌آن را می‌پردازیم». وی در این باره افزود در حال حاضر خشم از آمریکا در بالاترین سطح خود از زمان آغاز تجاوز آمریکا و تل‌آویو به ایران در اسفند سال گذشته است.

فیراس مقداد، مدیر منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا در مؤسسه اوراسیا هم در این باره اظهار کرد: «از همان ابتدای جنگ علیه ایران نارضایتی از آمریکا وجود داشت». به گفته وی، متحدان آمریکا در خلیج فارس احساس می‌کنند «به‌طور غیرضروری» در جنگی گرفتار شده‌اند که ترامپ اکنون در حل آن مشکل دارد.

«آنا جیکوبز» کارشناس مؤسسه کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس در واشنگتن، اعلام کرد از زمان شروع جنگ، «کاهش اعتماد» به آمریکا وجود داشت. به گفته وی، متحدان آمریکا فکر می‌کنند «رفتار واشنگتن در منطقه آنها را امن‌تر نمی‌کند، بلکه ناامن‌تر می‌کند».

داگلاس سیلیمن، سفیر سابق آمریکا در کویت و عراق هم گفت در سفر اخیر خود به منطقه شاهد نارضایتی از واشنگتن بوده است.

■ از بازدارندگی به دردسر!

گزارش واشنگتن پست درباره افزایش نارضایتی اعراب از آمریکا نشان می‌دهد مساله فقط آن نیست که پایگاه‌های آمریکا ممکن است هدف حمله قرار گیرند، بلکه مساله عمیق‌تر این است که دولت‌های عرب مجبور می‌شوند هزینه جنگی را بپردازند که خودشان آغاز نکرده‌اند.

اندیشکده کارنگی هم در تحلیلی درباره جنگ آمریکا علیه ایران نوشت: دولت‌های حاشیه خلیج فارس که حملات را آغاز نکرده بودند، در خاک خود هدف حملات قرار گرفتند و به آنها آسیب وارد شد. این اندیشکده نتیجه گرفته جنگ علیه ایران به روابط آمریکا با متحدانش در خلیج فارس فشار وارد کرده و باعث شده رهبران منطقه از اینکه درگیر جنگی شده‌اند که خود آغاز نکرده‌اند، ناراضی باشند.

این تحول از نظر راهبردی اهمیت زیادی دارد. در گذشته، منطق حضور آمریکا چنین بود که یک نیروی خارجی با دیدن نیروهای آمریکایی، از حمله به کشورهای عرب منصرف شود اما اکنون در نگاه برخی دولت‌های عرب و افکار عمومی منطقه، این معادله برعکس شده و نیروهای مخالف آمریکا در منطقه به نیروهای آمریکایی حمله می‌کنند و کشورهای میزبان هم در معرض پیامدهای این حملات قرار می‌گیرند.

به همین دلیل، بحث درباره آینده پایگاه‌های آمریکا دیگر یک بحث صرفاً نظامی نیست، بلکه به بحثی درباره حاکمیت، امنیت ملی و هزینه میزبانی از قدرت بیگانه تبدیل شده است.

■ پیمان مکه، نشانه فاصله‌گیری از آمریکا

در عین حال با وجود افزایش نارضایتی‌ها از آمریکا در میان اعراب خلیج فارس و غرب آسیا، توجه به این نکته ضروری است که ما هنوز هیچ نشانه و علامتی نمی‌بینیم که کشورهای عرب را به سمت قطع رابطه نظامی با آمریکا کشانده باشد، بلکه تحولات و پیامدهای تجاوز آمریکا علیه ایران شاید باعث نوعی تجدیدنظر در نوع روابط کشورهای عرب با آمریکا شود، بدین معنا که به گفته کارشناسان، ممکن است اعراب همچنان جنگنده، سامانه پدافندی و اطلاعات آمریکایی بخواهند و این تجهیزات نظامی را خریداری کنند اما همزمان به این نتیجه برسند که نباید سرنوشت امنیت ملی خود را فقط به تصمیم‌های واشنگتن وابسته کنند.

این تغییر رویکرد را در جریان رفتار اخیر عربستان در همپیمانی با ترکیه و پاکستان برای انعقاد پیمان مکه می‌توان دید. «کریستوفر هیل» دستیار سابق وزیر خارجه و سفیر پیشین آمریکا در عراق و صربستان، در گفت‌وگو با شبکه «سی‌ان‌ان» گفت امضای پیمان نظامی مکه بین عربستان، ترکیه و پاکستان یکی از مهم‌ترین تحولات در سایه جنگ اخیر آمریکا علیه ایران و تجدیدنظر در رویکرد کشورهای منطقه در توافقات امنیتی با واشنگتن است. مقام پیشین وزارت خارجه آمریکا عنوان کرد: «توافق مکه که در آن تصریح شده حمله به هر یک از این کشورها به‌منزله حمله به تمام آنها تلقی می‌شود، نشان می‌دهد چگونه کشورهای منطقه و فراتر از آن، راهبردهای امنیتی ـ دفاعی خود را بازآرایی می‌کنند».

هیل با تأکید بر اینکه هر ۳ امضاکننده این پیمان از متحدان آمریکا به شمار می‌روند، هشدار داد: «همگی آنها به این باور رسیده‌اند که آمریکا در شرایط حساس در کنارشان نخواهد بود و اکنون زمان آن فرارسیده تا برای تقویت تلاش‌های منطقه‌ای گام بردارند».

وی در تحلیلی از چرایی شکل‌گیری چنین ائتلاف‌هایی، به افول جایگاه آمریکا در نظم امنیتی منطقه اشاره و خاطرنشان کرد: «شما هیچ ردپایی از واشنگتن در این توافق نمی‌بینید. این پیمان نشان می‌دهد سایر نقاط جهان تا چه اندازه نسبت به نحوه مدیریت منافع و مسائل توسط آمریکا نگران شده‌اند».

سفیر اسبق آمریکا در صربستان با انتقاد از رویکرد سیاست خارجی کشورش اذعان کرد: «غیرقابل پیش‌بینی بودن یک بحث است اما به نظر من، ما اکنون به کشوری غیرقابل اعتماد تبدیل شده‌ایم».

■ بی‌اعتمادی به واشنگتن در افکار عمومی اعراب

تغییر نگاه به رویکردهای امنیتی آمریکا تنها به نخبگان سیاسی محدود نیست. داده‌های شاخص افکار عمومی اعراب نیز نشان می‌دهد تصویر آمریکا در بخش زیادی از جهان عرب آسیب دیده است.

در نظرسنجی شاخص افکار عمومی اعراب، ۵۱ درصد پاسخ‌دهندگان سیاست‌های آمریکا را بزرگ‌ترین تهدید علیه امنیت و ثبات منطقه دانسته‌اند. همچنین در قطر، نظرسنجی مورد استناد قرارگرفته نشان می‌دهد ۵۶ درصد پاسخ‌دهندگان معتقدند کشورشان دیگر نمی‌تواند روی آمریکا حساب کند و باید به شرکای دیگری همچون روسیه و چین نگاه کند.

این ارقام مهمند، زیرا نشان می‌دهند مساله فقط اختلاف چند دولت با ترامپ نیست، بلکه در ذهن بخشی از جامعه عرب، نقش آمریکا از یک تأمین‌کننده امنیت به یک عامل مؤثر در ایجاد بی‌ثباتی تغییر کرده است.

بارزترین نماد بی‌اعتمادی به آمریکا در کشورهای عرب منطقه را در نامه فعالان سیاسی اردن می‌توان دید. کمتر از یک ماه پیش، روزنامه آمریکایی نیویورک‌تایمز در گزارشی اعلام کرد صدها نفر از سیاستمداران، حقوقدانان، دانشگاهیان، افسران بازنشسته و دیگر چهره‌های اردن با انتشار نامه‌ای سرگشاده، خواستار خروج نیروهای نظامی آمریکا از این کشور شدند. امضاکنندگان این نامه تأکید کردند حضور نظامیان آمریکایی، اردن را در معرض تهدیدهای امنیتی، سیاسی و اقتصادی قرار داده و خطر کشیده شدن این کشور به جنگی منطقه‌ای را که هیچ نقشی در آغاز آن نداشته، افزایش داده است. در بخشی از این نامه آمده است: حضور نیروهای آمریکایی هیچ منفعت ملی‌ای برای اردن ندارد و تنها کشور را با مخاطرات بیشتر روبه‌رو می‌کند.

اردن میزبان ۴ هزار تروریست آمریکایی است و یکی از مهم‌ترین مراکز عملیات نظامی واشنگتن در منطقه به شمار می‌رود. با این حال، بسیاری از امضاکنندگان نامه معتقدند این حضور نظامی، امنیت و حاکمیت ملی اردن را به خطر انداخته است.

■ هشدار درباره بی‌اعتمادی جهانی به واشنگتن

حتی برای مقامات سابق آمریکا نیز این مساله محرز شده که بی‌اعتمادی به کشورشان در جهان به اوج رسیده است. «تونی بلینکن» وزیر خارجه دولت دموکرات سابق ایالات متحده با هشدار درباره اینکه متحدان و شرکای واشنگتن دیگر به آن اعتماد ندارند، نسبت به اقدامات و رویکردهایی که این متحدان تحت تاثیر این بی‌اعتمادی برای رفتن سراغ گزینه‌های دیگر اتخاذ می‌کنند، هشدار داد. بلینکن در صفحه شخصی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «وقتی آمریکا غیرقابل اعتماد می‌شود، متحدان و شرکای ما بیکار نمی‌نشینند. آنها خود را تطبیق می‌دهند، اوضاع را سبک سنگین می‌کنند و به دنبال گزینه‌های دیگر می‌گردند. عواقب این موضوع برای مردم آمریکا جدی است».

پیش‌تر هم فرید زکریا، مجری سرشناس آمریکایی با اشاره به پیامدهای جنگ علیه ایران گفته بود این جنگ نه‌تنها اهداف آمریکا را برآورده نکرد، بلکه چنان اعتبار آن را به باد داد که باید به آن همچون یک کلاس درس در زمینه سوزاندن حیثیت و اعتبار ابرقدرت‌ها نگریست.

گزارش «وطن امروز» از ظهور بی‌سابقه کاندیداهای مستقل در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا

نه آمریکایی‌ها به سیستم دوحزبی

گروه بین‌الملل: انتخابات میان‌دوره‌ای نوامبر آمریکا به یکی از مهم‌ترین آزمون‌های سیاسی رئیس جمهور تروریست آن کشور تبدیل شده است؛ انتخاباتی که نتیجه آن می‌تواند بر چگونگی ادامه کار ترامپ بسیار تاثیرگذار باشد. در عین حال در آستانه برگزاری این انتخابات، یک تغییر مهم در رفتار سیاسی آمریکایی‌ها در حال رخ دادن است؛ تغییری که مبتنی بر افزایش بی‌سابقه شمار شهروندانی است که خود را نه جمهوری‌خواه می‌دانند و نه دموکرات، بلکه خودشان را «مستقل» معرفی می‌کنند.

به گزارش «وطن امروز»، مجله «نیشن» در گزارشی با اشاره به ظهور بی‌سابقه مستقل‌ها در انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا نوشت: بر اساس تازه‌ترین تحلیل مؤسسه گالوپ، هم‌اکنون ۴۵ درصد رأی‌دهندگان آمریکایی خود را «مستقل» معرفی می‌کنند. این رقم تقریباً دو برابر هواداران هر یک از ۲ حزب اصلی (دموکرات و جمهوری‌خواه) به شمار می‌رود.

همچنین در این گزارش نوشته شده در انتخابات میان‌دوره‌ای پیش رو، شمار بی‌سابقه‌ای از نامزدهای اصلی به‌عنوان مستقل وارد کارزار شده‌اند و بسیاری از مستقل‌هایی که فقط چند سال پیش به جمهوری‌خواهان و حتی خود ترامپ رأی داده بودند، این بار به سمت دموکرات‌ها متمایل شده‌اند، هرچند این تغییرات حزبی نباید دموکرات‌ها را دچار توهم کند. با توجه به گزارش موسسه گالوپ، جابه‌جایی‌های حزبی به این معنا نیست که آمریکایی‌ها به حزب دموکرات روی خوش نشان داده‌اند. در واقع، میزان مقبولیت حزب دموکرات بهتر از حزب جمهوری‌خواه نیست و در زمره پایین‌ترین رکوردهایی قرار دارد که گالوپ تاکنون برای دموکرات‌ها ثبت کرده است.

به این ترتیب، اگرچه موج مستقل‌ها در سال ۲۰۲۶ بیش از همه جمهوری‌خواهان را تهدید می‌کند اما دموکرات‌ها نیز با چالشی جدی روبه‌رو هستند.

■ معنای تغییرات آماری

ارقام اعلام شده درباره رشد گروه‌ها و احزاب مستقل آمریکا از سوی گالوپ صرفاً یک تغییر آماری نیست و نشان می‌دهد بخش بزرگی از جامعه آمریکا دیگر حاضر نیست هویت سیاسی خود را با یکی از ۲ حزب اصلی تعریف کند. از این منظر، انتخابات ۲۰۲۶ ممکن است بیش از آنکه صرفاً رقابت جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها باشد، آزمونی برای میزان نفوذ ۲ حزب در میان رأی‌دهندگانی باشد که از ساختار دوحزبی فاصله گرفته‌اند.

■ رشد مستقل‌ها به چه معناست؟

در نظام سیاسی آمریکا، «مستقل» الزاماً به معنای بی‌طرف یا بدون گرایش سیاسی نیست، بلکه بسیاری از مستقل‌ها در واقع از سیاست‌های هر ۲ حزب در موضوعات مختلف داخلی و خارجی ناراضی هستند و به دنبال رویکردی دیگر و متفاوت از جمهوری‌خواهان یا دموکرات‌ها هستند.

این وضعیت برای احزاب سنتی آمریکا یک هشدار جدی است، زیرا معنای آن این است که هویت حزبی متعلق به جمهوری‌خواهان یا دموکرات‌ها که زمانی یکی از مهم‌ترین شاخص‌های رفتار انتخاباتی آمریکایی‌ها بود، برای بخش بزرگی از جامعه اهمیت سابق را ندارد و آمریکایی‌ها از سیاست‌های هر ۲ حزب خسته‌اند.

■ ناامیدی از هر ۲ حزب

درباره رشد مستقل‌ها در نظام سیاسی آمریکا باید گفت یکی از مهم‌ترین عوامل نارضایتی در عملکرد هر ۲ حزب ریشه دارد. افزایش قطبی شدن سیاسی، جنگ‌های فرهنگی، نزاع‌های شدید بر سر مهاجرت، اقتصاد، سیاست خارجی و همچنین رقابت شخصی و جناحی بر سر ترامپ، باعث شده بخشی از رأی‌دهندگان احساس کنند ۲ حزب اصلی بیش از آنکه در پی حل مسائل کشورشان باشند، درگیر نبرد دائم بر سر منافع یکدیگرند.

نظرسنجی‌های جدید هم نشان می‌دهند نارضایتی آمریکایی‌ها از ساختار سیاسی دوحزبی به سطح بی‌سابقه‌ای رسیده است. بر اساس داده‌های مرکز تحقیقات پیو، ۷۰ درصد آمریکایی‌ها مایلند گزینه‌های سیاسی بیشتری غیر از ۲ حزب اصلی جمهوری‌خواه و دموکرات داشته باشند. رادیو ملی آمریکا (NPR) در گزارشی با اشاره به افزایش نارضایتی عمومی از نظام سیاسی دوحزبی آمریکا اعلام کرد بسیاری از رأی‌دهندگان دیگر ساختار کنونی متشکل از جمهوری‌خواهان و دموکرات‌ها را پاسخگوی خواسته‌های خود نمی‌دانند و از اصلاحات اساسی در نظام انتخاباتی حمایت می‌کنند.

جو منچین، سناتور پیشین و سیاستمداری که از دموکرات‌ها به سوی استقلال سیاسی حرکت کرده، طی چند ماه گذشته کارزاری را برای انتخاب نامزدهای مستقل راه انداخته است. وی گفت ۲ حزب، امروز فرآیند سیاسی را به گونه‌ای «سلاح» کرده‌اند که داشتن عنوان دموکرات یا جمهوری‌خواه در کنار نام یک نامزد، عملاً امکان گفت‌وگو با طرف مقابل را دشوار می‌کند.

در عین حال با وجود افزایش شدید شمار مستقل‌ها، ساختار سیاسی آمریکا هنوز به‌شدت تحت سلطه جمهوری‌خواهان و دموکرات‌هاست. در کنگره کنونی تنها شمار بسیار محدودی از اعضا رسماً مستقل هستند و به نظر نمی‌رسد شهروندان آمریکا به‌زودی بتوانند از سلطه انحصاری رژیم سیاسی دوحزبی رهایی یابند.

گزارش

آیا آبراهه باب‌المندب به تنگه هرمز دیگری تبدیل می‌شود؟

کابوس هرمز دوم

گروه بین‌الملل: با کنترل تنگه راهبردی باب‌المندب از سوی نیروهای مقاومت یمن و انصارالله، نگرانی غربی‌ها افزایش یافته است. تلویزیون آمریکایی فاکس‌نیوز در گزارشی اعلام کرد حملات فزاینده یمنی‌ها به کشتیرانی در تنگه باب‌المندب، این سؤال راهبردی را مطرح کرده است که آیا این آبراهه می‌تواند به تنگه هرمز دوم تبدیل شود؟

به گزارش «وطن امروز»، در گزارش فاکس‌نیوز گفته شد عربستان پس از بسته شدن تنگه هرمز، به‌طور فزاینده‌ای به زیرساخت‌های صادراتی خود در دریای سرخ متکی است اما کشتیرانی در دریای سرخ نیز برای سعودی‌ها دچار چالش شده است، چون نیروهای یمنی در حال تکمیل کنترل خود بر آبراه باب‌المندب هستند. گزارش فاکس‌نیوز افزوده وضعیت موجود در باب‌المندب با هرمز تفاوت‌هایی دارد. در هرمز، ایران به صورت مستقیم از سواحل خود رفت‌وآمد کشتی‌ها را کنترل می‌کند اما تهران در باب‌المندب از طریق نیروهای همپیمان خود در یمن، این آبراهه را کنترل خواهد کرد. در این گزارش آمده کنترل تهران بر آبراه‌ها دیگر محدود به هرمز نیست، بلکه ایران توانسته باب‌المندب را هم به کنترل خود درآورد.

کنترل باب‌المندب از سوی نیروهای یمنی و انصارالله پس از آن انجام شد که عربستان محاصره خود علیه یمن را لغو نکرد و نیروهای مقاومت یمن نیز اعلام کردند با محاصره دریایی عربستان در چارچوب «محاصره در برابر محاصره»، اجازه عبور و مرور به کشتی‌های متعلق و مرتبط با سعودی نخواهند داد و این مساله برای صادرات نفت ریاض باعث ایجاد چالشی اساسی شده است.

■ باب‌المندب؛ حلقه حیاتی آسیا و اروپا

تنگه باب‌المندب که دریای سرخ را به خلیج عدن و اقیانوس هند متصل می‌کند، حلقه اتصال آسیا به اروپا از طریق کانال سوئز است و هر گونه اختلال در این آبراه، مستقیماً زنجیره تامین جهانی، تجارت کالا، بازار انرژی و هزینه‌های حمل‌ونقل را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

بر اساس برآوردهای بین‌المللی، در شرایط عادی سالانه بین ۲۰ تا ۲۶ هزار کشتی از باب‌المندب عبور می‌کنند و یک‌چهارم تجارت کانتینری جهان از این مسیر انجام می‌شود. همچنین حجم کالای عبوری از این گذرگاه در سال‌های اخیر به ۱٫۶ میلیارد تن در سال رسیده است.

این مسیر کوتاه‌ترین راه دریایی میان مراکز تولیدی آسیا و بازارهای مصرف اروپا به شمار می‌رود و بسته شدن آن، کشتی‌ها را مجبور می‌کند مسیر دماغه امیدنیک در جنوب آفریقا را انتخاب کنند؛ مسیری که هزاران کیلومتر طولانی‌تر است و ۲ هفته به زمان حمل کالا اضافه می‌کند.

فاکس‌نیوز تأکید کرد اهمیت باب‌المندب در شرایط کنونی بیش از گذشته شده است، زیرا تنها آبراه جایگزین برای صادرات نفت عربستان بدون هرمز است اما این آبراه هم به عنوان هرمز دوم، دیگر مسیر امنی برای عربستان به شمار نمی‌رود.

■ ادامه حملات علیه مزدوران ریاض

از سوی دیگر حملات نیروهای مقاومت یمن علیه مزدوران سعودی در مناطق جنوب ادامه دارد. عصر یکشنبه خبرگزاری «سبأ» یمن به نقل از یک منبع نظامی گزارش داد نیروهای مسلح این کشور مواضع نظامی عربستان در منطقه مخا و استان مأرب را با چند موشک بالستیک و پهپاد هدف قرار دادند. به گفته این منبع، این حملات دقیق و مستقیم بود و منجر به کشته و زخمی شدن چندین نفر و تخریب تعدادی انبار سلاح و مهمات عربستان شد.

روز یکشنبه همچنین منابع یمنی از حمله نیروهای صنعا به مواضع سعودی در منطقه جازان خبر دادند. همزمان، صدای آژیرهای خطر در جازان به صدا درآمد و دفاع مدنی عربستان نیز از فعال شدن سامانه هشدار زودهنگام در این منطقه خبر داد.

■ هشدار نسبت به تداوم تجاوزات سعودی

همزمان تجاوزات ریاض به یمن ادامه دارد و سعودی روز یکشنبه روستاهای پرجمعیت شهرستان مرزی «رازح» در استان صعده را با گلوله‌های توپ هدف قرار داد.

عضو شورای عالی سیاسی یمن هم روز یکشنبه به سعودی‌ها هشدار داد ادامه تقویت نیروها و افزایش تجهیزات و تلاش‌های دشمن سعودی برای تحمیل معادلات نظامی جدید، با اقدامات لازم برای محافظت از یمن، امنیت و حاکمیت مقدس آن مواجه خواهد شد. «عبدالعزیز بن‌حبتور» تصریح کرد افزایش مداوم نیروها و تجهیزات سعودی (در خاک یمن) که بخشی از یک کارزار تشدیدشونده است و با فشار اقتصادی و سیاسی و محاصره خفه‌کننده همراه است، نشان می‌دهد گزینه تشدید تنش همچنان روی میز است. بن‌حبتور تأکید کرد تلاش برای انتقال تنش به داخل یمن از طریق نیروهای محلی و نیابتی، موجب سلب مسؤولیت رژیم سعودی در قبال عواقب و پیامدهای آن نخواهد شد.